

فصل نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۲، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۹۹، صص ۵۹ تا ۷۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۲۱، تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲

نقد برخی مؤلفه‌های معنایی شعر عاشورایی دفاع مقدس با تکیه بر اشعار

(علی معلم، نصرالله مردانی، فاطمه راکعی و طاهره صفارزاده

طاهره ستاریان^۱، دکتر توفیق هاشم‌پور سبحانی^۲



چکیده

ادبیات پایداری در ایران از دیرباز با تجلی در انواع شعر و نثر فارسی، نقش مؤثری را در بیان و القای مفاهیم مقاومتی ایفا کرده است و در پیوند با ادبیات عاشورایی و تجلی روح حماسی آن، گزارشگر مبارزه، پایداری و مقاومت در برابر انواع نیروهای متجاوز و ظلم و ستم آنها است. در این میان حماسه به عنوان یکی از انواع شاخص ادبی شرح مفصل‌تری از رشادت‌ها و قهرمانی‌های امام حسین (ع) و یارانش در جریان واقعه عاشورا را بیان می‌کند. با توجه به ضرورت تکمیل مباحث نظری در باب ادبیات دفاع مقدس به ویژه شعر پایداری در دوران جنگ تحمیلی و اهمیت شناخت و حضور عنصر حماسی در شعر عاشورایی، با بررسی ارتباط میان عناصر حماسی واقعه عاشورا در ادب منظوم دفاع مقدس از منظر اشتراکاتی چون تعاریف، ایفای نقش یکسان شخصیت‌ها و قهرمان، برخورداری از جوهره اعتراض مورد نقد و واکاوی قرار گیرد به نظر می‌رسد ادبیات دفاع مقدس به میزان قابل توجهی از مرثیه، نوحه، رجز و ذکر مصائب امام حسین و یارانش بهره گرفته است تا حماسه و بیان دلآوری‌ها؛ از این رو بررسی، نقد و واکاوی عنصر حماسه در ادبیات عاشورایی دفاع مقدس در این مقاله مورد توجه قرار گرفت. این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی و بر مبنای داده‌های کتابخانه‌ای به بررسی عنصر حماسه در شعر عاشورایی علی معلم، فاطمه راکعی، طاهره صفارزاده و نصرالله مردانی می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: ادبیات پایداری، دفاع مقدس، شعر عاشورایی، حماسه، شاعران دفاع مقدس.

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران. hadi.guide@yahoo.com

^۲ استاد یار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

جریان ادب عاشورایی در شکل‌گیری ادبیات انقلاب اسلامی و به‌ویژه ادبیات دفاع مقدّس، طی چهار دههٔ اخیر - چه در عرصهٔ شعر و چه در زمینهٔ نثر - جریان فراگیر و غالب ادبیات ایران بوده است. دو واقعهٔ تاریخی مهم با گستره و عمق تأثیر بی‌مانندی که در لایه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ملت ایران دارد. هنرمندان و به‌ویژه شاعران را هم از آن روی که خود از آحاد این ملت و مستقیماً درگیر این مسائل بودند و هم از آن جهت که این موضوعات مورد توجه مردم ایران بود به واکنش در برابر این پدیدهٔ مهم برمی‌انگیخت، ماحصل این واکنش‌های ادبی را که عمدتاً همسو با نگرش ارزشی به واقعهٔ تاریخی عاشورا بود انبوهی از آثار ادبی در قالب شعر، ترانه و ... پدید آورد که در سطوح متفاوتی از کیفیت ارزش هنری با مضامین عاشورا و دفاع مقدّس تولید شدند که ضرورت بررسی و نقد و آسیب‌شناسی آنها در جهت ارتقاء کمی و کیفی آثار تولید بسیار مهم و حیاتی به‌نظر می‌رسد. حماسه بی‌تردید یکی از اصلی‌ترین ابعاد واقعهٔ عاشورا به‌شمار می‌رود و در حقیقت جان‌مایه و نفس حرکت امام حسین (ع) جنبش حماسی و سلحشورانهٔ ایشان است. عاشورا بدون حماسه، کالبدی بی‌جان و کم‌اثر است که به‌هیچ وجه، بیانگر رسالت امام حسین (ع) نیست، از سویی پس از فردوسی حماسه‌سرایی آنچنان که باید و شاید جایگاه واقعی خویش را به‌دست نیاورد و مقلدان نتوانستند حماسه را همسنگ آنچه که فردوسی سروده است با ساختار و درون‌مایه‌ای قوی و ادبی خلق نمایند، اما پس از انقلاب اسلامی و به‌ویژه با شروع جنگ تحمیلی و دفاع مقدّس، به یکباره شاعران و هنرمندان بسیاری از واقعهٔ تاریخی عاشورا، جهت نشان دادن روحیهٔ حماسی رزمندگان و جنگاوران بهره بردند و با رویکرد حماسی به این واقعه نگریستند؛ با وجود آثار ارزشمندی که در این زمینه با مفهوم حماسی - عاشورایی پدید آمد، اما ضعف و کاستی‌های موجود سبب شد تا باز هم شاهد نقصان در این عرصه باشیم. در این مقاله سعی خواهد شد پس از بررسی ابعاد حماسی واقعهٔ عاشورا با آوردن گزیده‌ای از شواهد شاعران ادبیات دفاع مقدّس (معلم، مردانی، راکعی، صفارزاده) ابعاد گوناگون حماسهٔ عاشورا بررسی و مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد.

روش تحقیق

این جستار گزارشی از یک پژوهش بنیادی - نظری و اسنادی است که با روش توصیفی -

تحلیلی کوشیده است به نقد مفاهیم حماسی در ادبیات عاشورایی دفاع مقدس بپردازد. گردآوری داده‌ها در این پژوهش از طریق فعالیت کتابخانه‌ای صورت گرفته و بخشی از محتوای مقاله تأملات شخصی نویسنده و مبتنی بر روش قیاسی - استدلالی است.

پیشینه تحقیق

در عنوان مذکور اثر مستقلی اعم از کتاب، پایان‌نامه و مقالاتی که به تبیین ارتباط میان حماسه و ادبیات عاشورایی دفاع مقدس بپردازد، یافت نشد؛ اما در این میان مقالاتی چند به بررسی موضوعات مشابه در این زمینه پرداخته است. مقاله‌ای با عنوان «حماسه در بزم غزل» از محمود براتی و مریم نافلی، توجه به قالب‌های کلاسیک شعر فارسی را در عرصه ادب انقلاب و دفاع مقدس، از ویژگی‌های ادبی این عصر دانسته و معتقد است که در ادبیات پایداری معاصر، ادب غنایی در پیوند با عناصر حماسی، خالق قالب تازه‌ای به نام غزل - حماسه می‌باشد (نشریه ادبیات پایداری دانشگاه باهنر کرمان سال اول شماره ۱ پاییز ۱۳۸۸). مقاله‌ای نیز با عنوان «کارکرد حماسه در دوران معاصر» از غلامعلی زارع و سید ربیع رضوی به ضرورت سرودن حماسه در دنیای معاصر پرداخته و در این زمینه، کارکردهای تازه‌ای را برای نوع ادبی حماسه بر می‌شمارد که بسیار به مضامین ادبیات پایداری نزدیک می‌باشد (نشریه ادبیات پایداری دانشکده علوم انسانی کرمان پاییز ۱۳۹۰ و بهار ۱۳۹۱).

مقاله‌ای دیگر با عنوان «ویژگی‌های سبکی منظومه‌های دفاع مقدس» از غلامرضا کافی از منظر تبارشناسی، منظومه‌های ادب فارسی را در سه بخش حماسی، تعلیمی و غنایی جای داده و در این میان منظومه‌های دفاع مقدس را از تبار منظومه‌های حماسی دانسته که میزان قابل توجهی از ویژگی‌های ساختاری و معنایی این گروه به میراث برده است. (نشریه ادبیات پایداری دانشکده علوم انسانی کرمان پاییز ۱۳۹۰ و بهار ۱۳۹۱).

مبانی تحقیق

نقد چیست؟

«هنر برای آن بوجود آمده که مورد تجربه قرار گیرد و در تجزیه و تحلیل نهایی وظیفه نقد کمک به حصول این تجربه است. روشی که مردم متمدن در برخورد با هنرها بکار می

برند عبارتست از: التذاذ همراه با تشخیص درک ارزش اثر و شناخت ناسره‌ها در برابر آنچه اصیل است. ما به نقد روی می‌آوریم تا این روش را توسعه دهیم و تقویت کنیم. نقد با بررسی نظری درباره‌ی ماهیت ارزش ادبی و نیز از راه تحقیق در منشاء نمو و انگیزه‌های اثر بطور مستقیم یا غیر مستقیم از عهده این وظیفه بر می‌آید.» (دیچز، ۱۳۷۹: ۵۹۲) نقد ادبی در گذشته بیشتر صوری بوده است. دیوید دیچز در تحلیل نقد ادبی معتقد است هنر و ادبیات بدون نقد و نظر قادر به رشد و تعالی نخواهد بود، این منتقد بزرگ انگلیسی و مولف کتاب «شیوه‌های نقد ادبی» می‌نویسد «دانش، روش، استقلال رای و بهره‌مندی از منظری بی‌طرفانه در نقد ادبی حائز اهمیت است» (دیچز، ۱۳۷۹: ۸۳)

نقد ادبی زمانی مفید خواهد بود که دور از اغراض باشد. قضاوت راستین و بینش و آگاهی مایه‌های اصلی نقد را تشکیل می‌دهد. در نقد ادبی هر اثر را باید با توجه به موازین و ملاک‌های عصر خودش به قضاوت نشست. «نقد ادبی بررسی همه جانبه و کامل یک اثر ادبی است از این رو اکتفا به شکل ظاهری اثر یعنی توجه به نقد لغوی کافی نیست و منتقد باید به بحث در باب جوهر و معنی و مضمون یک اثر ادبی به مذاقه و واکاوی پردازد» (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۱: ۳۸) زرین کوب در مقدمه چاپ نخست کتاب خود «نقد ادبی» معتقد است نقد ما ضعیف و بیمارگونه است و آیین روزنامه‌نویسی رنگی از شتابزدگی به آن بخشیده است.

شعر عاشورایی کدام است؟

یکی از مقوله‌های مهم در ادبیات آیینی، شعر عاشورایی است. «شعر عاشورایی، شعری است که در مقام تبیین مقولات ارزشی این نهضت الهی است و متعهدانه حول محور مسائل زیربنایی آن حرکت می‌کند» (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۴۸). شعری که با تعهد به ارزش‌های والای امام حسین (ع) در اصلاح امت، برقراری عدالت و مبارزه با ظالم، همواره شعری هدفمند بوده و آشکار و پنهان به دنبال تحقق اهداف نهضت ایشان گاه با چالش کشیدن حکومت ظالمان پایه‌های ظلم را با تهدید روبه‌رو ساخته است، شعر عاشورایی نقد حاکمان غاصب و احیای مفاهیم زندگی‌ساز دین و نشر ارزش‌های ماندگار است که زیربنای فداکاری و جهاد و جانبازی در راه عقیده است، عاشورا انتقال دهنده فرهنگ شهادت است و ادبیات دفاع

مقدّس با ادبیات عاشورایی پیوندی تنگاتنگ دارد. شعر عاشورایی بیش از آنکه بیانگر احساس و عواطف فردی و جمعی شاعر با درون مایه عشق و اظهار ارادت به قهرمانان عرصه عاشورا و نفرت و انزجار از جنایتکاران این قیام باشد، شعری متعهد است و ضمن ارزش گذاری به قیام امام حسین (ع) حماسه این رخداد تاریخی را به نسل های بعد منتقل می سازد، وجود روح حماسی در شعر عاشورایی، کلیدی برای مبارزه علیه ظلم و ستم است و همین امر مبدأ و سرآغاز رستاخیزی در ادب عاشورایی شده است (ر.ک: الهامی و همکاران: ۱۳۹۷: ۳۶-۳۵).

ادبیات دفاع مقدّس

یکی از شاخه های اصلی و مورد بحث ادبیات فارسی، ادبیات پایداری یا مقاومت است؛ در میان پژوهش های گوناگون انجام شده در این حوزه، تعاریف گوناگونی از ادب پایداری و دفاع مقدّس ارائه گردیده است، ادبیات دفاع مقدّس، ادبیاتی سیاسی - اجتماعی است که در عین تشریح و توصیف ایستادگی ها و مقاومت ها در برابر زورگویی و تهاجم، به بیدادگری و عدالت خواهی می پردازد. با توجه به این دیدگاه، ادبیات دفاع مقدّس در معنای عام، ادبیاتی است که زیربنای اجتماعی و متأثر از مسائل خاص و چالش برانگیز سیاسی و تأثیرگذار و جهت دهنده که در ایران به خصوص پس از شروع جنگ تحمیلی به عنوان عنصری پویا و کارآمد در حوزه ادبیات مورد توجه قرار گرفت. « ادبیات دفاع مقدّس یکی از زیر مجموعه های ادبیات پایداری ایران است، ترکیبی بدیع و نامی نیکو در شناسنامه فرزند پایداری ملت ایران، ادبیات پایداری مفهومی عام از ادبیات پایداری تمامی ملت هاست، زمانی که سخن از ادبیات دفاع مقدّس به میان می آید با مفهومی خاص سر و کار داریم که از دو عنصر دفاع و مقدّس تشکیل شده است. دفاع مقدّس در ادامه آزادی خواهی اسلامی و تحول بزرگ انقلاب در ایران سر بر آورد و بالیدن گرفت، باید توجه داشت که فقط آثاری در حوزه ادبیات دفاع مقدّس قرار می گیرند که با نگاهی به ارزش ها و باورهای مقدّس دینی که منشأ ظهور این دفاع بود، شکل گرفته اند و آثاری که با نگاهی منفی و بدبینانه نوشته شده اند، در زیر گروه ادبیات جنگ قرار می گیرند» (امیری خراسانی و هدایتی، ۱۳۹۳: ۳۷). ادبیات دفاع مقدّس از مرحله پیدایی و نمو تا حال حاضر، خاستگاه دینی داشته و جان مایه آن گذشته از فضای آرمانی

جنگ و رزمندگان و فداکاری‌های آنان، به میزان قابل توجهی متأثر از ادبیات عاشوراست. ادبیاتی که مفاهیم و ارزش‌های دینی و الهی زیرساخت آن را تشکیل می‌دهد. « ادبیات دفاع مقدّس مبتنی بر ارزش‌های الهی است، این ادبیات ضدّ جنگ است چون دفاع، ضدّ جنگ است» (سنگری، ۱۳۸۹: ۲).

ظهور حماسه و فرهنگ عاشورا در ادبیات معاصر و دفاع مقدّس

فرهنگ شامل عقاید سنتی و به خصوص ارزش‌های وابسته به آن است. « فرهنگ عبارت است از هر آنچه که در یک جامعه معین کسب می‌کنیم و می‌آموزیم و می‌توانیم انتقال دهیم» (بیرو، ۱۳۷۰: ۷۷).

بنابراین فرهنگ، مجموعه‌ای از بینش‌ها، باورها، گرایش‌ها، رفتارها و آداب و اخلاقیات است که دارای ثباتی نسبی در جامعه است. فرهنگ عاشورایی قیام امام حسین را می‌توان در این امور خلاصه کرد: «مقابله با تحریف دین، مبارزه با ستم طاغوت‌ها و جور حکومت‌ها، عزّت و شرافت انسان، ترجیح مرگ بر زندگی ذلت‌بار، پیروزی خون بر شمشیر و شهادت بر فاجعه، شهادت طلبی با جرأت و جسارت و نفی سازش برای اصلاح امور» (محدثی، ۱۳۹۱: ۳۷۳).

رویکرد حماسی به واقعه عاشورا در شعر عاشورایی دفاع مقدّس مهم‌ترین و اساسی‌ترین بخش شعر عاشورا را تشکیل می‌دهد. « در شعر دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هر سه عنصر سوگ، حماسه و عرفان حضور دارد اما تحلیل حماسی و بررسی پیام عاشورا در قالب شعر نمود بیشتری یافته است» (همان: ۲۴۲).

ادبیات پایداری، ادبیات ستیهندگی و حماسه در سطح بسیار وسیع، متعلق اعتراض، جهان مادی و طبیعت است، از این منظر هنر و ادبیات فی‌حدّ ذاته نوعی مقاومت در برابر نقص واقعیت و طبیعت تلقی می‌شود. با این طرز تلقی، هنر و در رأس آن شعر، تنها توصیف، محاکات یا تقلید از طبیعت نیست، هنر نوعی عصیان در برابر واقعیت موجود و باز آفریدن حقیقت مفقود است، هنرمند اگر واقعاً هنرمند باشد، خود را با این عالم بیگانه احساس می‌کند و این احساس بیگانگی منشأ آفرینش‌های هنری است، آثار حماسی جهان به نوعی نمایشگر این ستیز انسان هستند، ستیز شاعر با متعلق نفی و اعتراض به انحرافات که شاعر در جامعه و محیط خود مشاهده می‌کند، این انحرافات می‌تواند زمینه‌های مختلفی داشته

باشد و یکی از آنها زمینه دینی است. در مورد ارتباط دین و ادبیات نظریات گوناگونی مطرح شده است که اغلب با یکدیگر تعارض دارند، اما از آنجا که شیعه به عنوان اقلیت سیاسی- مذهبی معترض در طول تاریخ همواره تحت ستم خودکامگان قرار داشته، مظلومیت پیشوایان تشیع و خصوصاً واقعه عاشورا و شهادت امام حسین (ع) با وجوه حماسی و اسطوره گونه آن، الگوی مردم ایران در جهاد و مقاومت و الهام بخش شاعران در ثبت حماسه های دفاع مقدس بوده است، تشیع در حقیقت خود مذهب مقاومت است و جریان ادبیات پایداری پس از اسلام جریان شعر مقاومت شیعی است. از این رو به نظر می رسد مفهوم فراتاریخی عاشورا یکی از فرصت های مهم ادبیات دفاع مقدس در ایران به شمار می رود که به منزله یک مقوله ماهیتاً مضمونی گرفتار آسیب هایی در این عرصه شده است.

بحث

نقد مفاهیم عاشورایی

شعر آیینی - عاشورایی فراز و نشیب های فراوانی را پشت سر گذاشته است، از جمله آفت هایی که به طور ویژه طی دهه های اخیر شعر آیینی عاشورایی را تهدید کرده است، غلو، قیاس، تکرار، کلیشه برداری، توقف در بعد زمانی- تاریخی عاشورا، تعبیرها و تفسیرهای شاعرانه و گاه برساخته از مسائل آیینی عاشورایی را می توان نام برد. آرمانگرایی حلقه مفقوده این گونه شعرهاست که در کنار نوگرایی های افراطی گاه سبب ایجاد فراهنجاری های معنایی بسیاری در ادبیات عاشورای دفاع مقدس شده است. هر چند استقبال و توجه دوباره شاعران به شعر آیینی اتفاقی خجسته بود؛ ولی بسامد بالایی تولیدات ادبی در این حوزه، این گونه ادبی را با تهدیدها و آسیب های جدی مواجه ساخت، آسیب هایی که غفلت از آنها در درازمدت فرجامی ناخوشایند به همراه خواهد داشت. از این رو برای پیشگیری از آفات و آسیب هایی که این گونه ادبی به آن دچار شده است، رسالت فعالان این عرصه در شرایط کنونی، تحلیل و بررسی آسیب های و یافتن راهکارهای مناسب برای اصلاح مسیر می باشد. مقصود از آسیب شناسی در ادبیات عاشورایی، شناسایی آن دسته از عوامل مهم و مؤثری است که باعث می شود تا ادبیات عاشورایی از اهداف اصلی و مسیر واقعی خود دور بیفتد،

آسیب‌شناسی ادبیات عاشورایی تنها به شناخت علت‌های مؤثری نمی‌پردازد بلکه راهکارهایی را نیز برای جلوگیری از آن بیان می‌کند. به این ترتیب وظایف آسیب‌شناسی را دو چیز تشکیل می‌دهد «مطالعه شناخت آسیب‌ها و علل پیدایی آنها، راه‌های درمان و جلوگیری از بازگشت به آن آسیب‌شناسی نوعی کج‌رفتاری است که به شکلی آشکارا با هنجارهایی که برای پایگاه‌های اجتماعی افراد تعیین شده، متفاوت است» (سروستانی، ۱۳۸۷: ۲۴).

ضعف نمادپردازی و پرداختن به نمادهای خاص

«نماد بیان‌کننده کلیات و مفاهیم بزرگ به وسیله موضوعات جزئی است اما این موضوعات و تصاویر جزئی خیالی، زنده و جانداراند که ذهن را تسخیر می‌کنند» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۶۱). بنابراین نمادها تصاویر عینی و ملموس هستند که برای عواطف و حقایق انتزاعی به کار برده می‌شوند. نکته اساسی در تاریخ نمادگرایی آن است که نمادها در همه دوره‌ها پویا و زنده نمی‌باشد مثلاً «شعر قرن ششم و هفتم دوران شکوفایی نمادهای پر قدرت و پویای عرفان است و عصر تیموری دوران زوال و مرگ همه نمادها می‌باشد یا نمادهایی مانند جنگل، ساحل و لاله که در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ پویا و زنده بودند، روز به روز تأثیر خود را از دست دادند و در سه دهه بعد به نمادهای مرسوم و متداول مردمی دل شدند» (همان). پس از جنگ تحمیلی با رشد ویژگی حماسی و استقلال در شعر عاشورایی در برابر ویژگی بُکایی و نوحه‌سرایي و مرثیه‌گویی، گرایش به بهره‌گیری از زبان تخیلی و تصاویر شعری در شعر فارسی برجسته‌تر شد. یکی از شاخص‌ترین آثار علی معلم شعر عاشورایی او با عنوان «تاوان این خون تا قیامت ماند بر ما» (معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۷۷-۸۰) است. این شعر با مطلع «روزی که در جام شفق مل کرد خورشید» از اشعاری است که شهرتی بسزا در زمینه شعر مذهبی دارد. این شعر در قالب مثنوی سروده شده است و از این رو در زمره شعرهای سنتی محسوب می‌شود. در این شعر واژه «نیزه» بیش از واژه‌های دیگر مورد تأکید قرار گرفته است. این واژه همه‌جا به معنای نیزه‌هایی به کار رفته است که سر شهیدان کربلا را پس از شهادت بر روی آن گذاشته‌اند و در شهر چرخاندند:

روزی که در جام شفق مل کرد خورشید	بر خشک چوب نیزه‌ها گل کرد خورشید
شید و شفق را چون صدف در آب دیدم	خورشید را بر نیزه‌گویی خواب دیدم
خورشید را بر نیزه؟ آری این چنین است	خورشید را بر نیزه دیدن سهمگین است

بر صخره از سیب زنج بر می توان دید
خورشید را بر نیزه کمتر می توان دید
در جام من می بیشتر کن ساقی امشب
با من مدارا بیشتر کن ساقی امشب
بر آبخورد آخر مقدم تشنگانند
می ده حریفانم صبوری می توانند
(معلم دامغانی، ۱۳۸۷، ۴۵)

تشنگی یکی از آشکارترین جلوه‌های سوز و غم در حادثه کربلاست. امام (ع) و سایر شهدای کربلا لب و عطشان روز عاشورا به شهادت رسیدند. در کربلا عطش بیداد می کرد و لب‌ها خشک و جگرها سوخته و هوا گرم. اگرچه توجه به تشنگی امام (ع) و یارانشان یکی از نکات برجسته حادثه عاشورا است اما باور به این نکته به عنوان یکی از جنبه‌های رقت برانگیز ادبیات عاشورایی در شعر دفاع مقدس ارزش حماسی شعر را تا حدود بسیار زیادی کم‌رنگ و بی فروغ می‌سازد. همه ما می‌دانیم که امام حسین (ع) هرگز درد «آب» نداشت. پس به همین خاطر نمی‌توان مرکز ثقل اشعار عاشورایی دفاع مقدس را حکایت آتشین و لب‌های خشک امام و یارانشان و مشک‌های خالی از آب دانست؟ برعکس توجه به جنبه‌هایی چون قیام، حمله، نیزه، دفاع، جریت و آزادی از نکات برجسته و اهمیت شعر حماسی عاشورا در ادبیات جنگ است:

در کربلای ایثار مردانه در ستیزند
رزم آوران اسلام با خیل نابکاران
در شام سرد سنگر روشن چراغ خون است
ای آب دیده تر کن لب‌های روزه‌داران
(مردانی، ۱۳۸۶: ۱۴۷)

و نیز:

در بادهای سوزان نیلوفران خاکی
چشم انتظار آبد ای روح سبز باران
(همان: ۱۴۸)

خلاصه کردن حماسه بلند کربلا در «عطش» و «تشنگی» و چشم بستن بر ابعاد متعالی آن یکی از مشکلات بزرگی است که ادبیات عاشورایی به‌ویژه در حوزه دفاع مقدس با آن مواجه است. صفارزاده واقعه عاشورا را چنان حزن‌انگیز به تصویر می‌کشد و مسئله «تشنگی» امام (ع) یارانش را آنچنان پرسوز و گداز بیان می‌کند که مخاطب حس می‌کند گویا در حادثه عاشورا مفهومی جز «تشنگی» وجود نداشته است؛ او از تشنه‌لبانی می‌گوید که تا پای

جان مقاومت کرده‌اند و شهادتی که با «جگر تشنه» رقم خورده است؛ در واقع شاعر با بیان پررنگ و تأکیدی بر موضوع محوری «تشنگی» بیشتر عواطف خواننده را تحت تأثیر می‌گذارد تا تقویت بُعد حماسی ادبیات عاشورایی:

روز عاشوراست

جگرم می‌سوزد

آب یخ

چای

شربت خنک

آزمودم همه را

جگرم می‌سوزد

(صفازراده، ۱۳۸۶: ۷۳)

و یا تکرار واژه «آب» در این سطور:

در انتهای دره مه

سکوی ابر می‌چرخد

سکوی ابر

ابرنهان کننده و بازدارنده

شاید ایمان

تصوّر تصویر آب باشد

آب

آب صاف

آب جاری

آب رها

(همان: ۱۰۱)

خلاء تفکر در ادبیات عاشورایی دفاع مقدّس

منظور از تفکر حماسی، تفکر واقع‌گرایانه‌ای است که پهلوانان، رزمندگان دفاع مقدّس‌اند و صحنه‌های حماسی آن میدان جنگ و جبهه است در این اشعار تفکر دینی عاشورایی با تفکر

حماسی در هم آمیخته می‌شود. شهادت در این تفکر، جلوه‌ای از حماسه است چرا که با تمام مفهوم خود، با قدرت و صلابت - نه مظلومیت صرف و نه حقارت - در دفاع از هویت و کیستی و ارزش‌های معنوی و دینی رقم می‌خورد، طی سال‌های دفاع مقدس که در آن پاک‌ترین عواطف انسانی مجال ظهور یافت، عناصر عاطفی بسیار چشمگیرتر از عناصر حماسی پدید آمد از این رو در ادبیات عاشورایی دفاع مقدس «لحن عاطفی» غلبه دارد تا «لحن رزمی». آمیختگی عاطفه‌گرایی با حماسه که بیشتر دارای فضای سوگ، اشک و ماتم است ظرفیت واژگانی، عاطفی و حتی تصویری این اشعار را تحت الشعاع خویش قرار داده است تا آنجا که حتی تصاویری اسطوره‌ای و حماسی در برخی اشعار عاشورایی دفاع مقدس با کلمات غنایی آنچنان آمیخته شده است که تصاویر حماسی و اسطوره‌ای در جامه عناصر عاطفی شعر رنگ باخته است و ستایش فضایل و بزرگی امام (ع) و یارانش، تقبیح دشمنان و هجو آنان بیشتر از آنکه با لحنی حماسی و کوبنده بیان شود بر عنصر تخیل و مرثیه استوار است و توصیفات احساسی جایگزین صلابت حماسه شده‌اند؛ گرچه باید میان بیان حماسی با نگاه حماسی تفاوت قائل شد. همان‌گونه که پیشتر گفتیم، حماسه دارای ارکانی برای شکل‌گیری در بیان است. این ارکان در نگاهی اجمالی به موضوعاتی همچون بیان و توصیف پهلوانی‌ها و عظمت، واگویی با خویشتن، حس انتقام و... در کنار زبان فخیم و معانی عمیق در عین اقتدار و عظمت است. برای بیان حماسه، شاعر ناگزیر از رعایت ارکان و اصول آنها می‌باشد در حالی که در نگاه حماسی لزوماً این ارکان به بیان و توصیف نخواهند رسید و گاهی تصویری و گذرا خواهند داشت. در نگاه حماسی، شاعر الزام کامل به رعایت همه ارکان نداشته ولی طبعاً یک یا دو وجه از ارکان را برجسته خواهد کرد. مفهوم دین و مذهب در ساختار هویت فرهنگی یک ملت تعریف می‌شود، نکته قابل ذکر این است که فقط وحدت اعتقادی و مذهبی مردم در زمان جنگ میان دو کشور نمی‌تواند کافی باشد، بلکه انگیزه پاسداشت هویت ملی و قومی نیز دارای اهمیت است. «زمانی که مرزهای یک ملت تهدید می‌شود، یا یک ملتی از لحاظ ارزش‌های قومی و ملی مورد تحقیر قرار می‌گیرد، حماسه آفریده می‌شود» (واحد دوست، ۱۳۹۲: ۵۷). عشق به حفاظت از کیان و اعتقادات در قالب مفاهیم

حماسی و ماندگار در دوره معاصر، دلاوری‌های رزمندگان در میدان‌های نبرد، بستر پیدایش «شعر حماسی جنگ» را فراهم می‌آورد. عناصر حماسی در ادبیات عاشورایی دفاع مقدس بیشتر به صورت عشق به حفاظت از کیان و اعتقادات در قالب مفاهیم حماسی و ماندگار در دوره معاصر، دلاوری‌های رزمندگان در میدان‌های نبرد، بستر پیدایش «شعر حماسی جنگ» را فراهم می‌آورد، عناصر حماسی در ادبیات عاشورایی دفاع مقدس بیشتر به صورت رجزخوانی و ارجوزه‌پردازی است تا اسطوره‌سازی در واقعه عاشورا، رجزخوانی جایگاه ویژه‌ای دارد اما رجزخوانی زبانی یک‌سویه و بدون انعطاف دارد و در واقع تلاش برای حذف هم‌رزم است، این نوع سخن و بیان مفاخرات، دارای جنبه تهدید و تحقیر هم‌آورد و تقویت یاران و قهرمانان خودی است. رجزخوانی با ژانر حماسی، خویشی و قرابت دارد با این تفاوت که در ژانر حماسی ویژگی‌های ارزشی، والای و رأفت و ابهت حفظ می‌شود، در حالی که در رجزخوانی تهدید و تحقیر طرف مقابل به‌میزان بسیار زیادی از ارزش معنوی آنچه که بر سر آن پیکار می‌گردد، می‌کاهد (ر.ک: فهیمی، ۱۳۸۱: ج ۳: ۱۶). شاعران دفاع مقدس در عرصه شعر عاشورایی جهت معرفی، ستایش و تقدیس دلاوری‌ها و رشادت‌های رزمندگان اسلام و مقایسه ارزش‌های والای نبرد حق علیه باطل با بن‌مایه‌های قیام عاشورایی و تحریض و دعوت به مبارزه و ایستادگی و دفاع در مقابل ستم و تهدید و ارباب دشمن، به‌میزان قابل توجهی از رجزخوانی بهره‌گرفته‌اند عبارات «برخیز، بخوان، به پیش، به جنگ، ای برادر، ای مسلمان و ...» نمونه‌هایی از واژه‌های خطابی جهت تهییج مخاطبان بر مبنای رجزخوانی هستند:

حق، حسین بن علی (ع) بر قاف شاهی آی هر هفت وادی هفت‌دم خواهی نخواهی آی
(معلم‌دامغانی، ۱۳۸۸: ۲۸)

و یا در بیت زیر از نصرالله مردانی:

بخوان قصیده فریاد از کتاب کویر ترانه‌های عطش، شعرهای ناب کویر
(مردانی، ۱۳۸۸: ۳۳۵)

در اشعار عاشورایی دفاع مقدس شاهد گفت‌وگوهای هستیم که رنگ و لعاب رجز در آنها بیش از حماسه است. ما در این نوع از رجزخوانی صرفاً با فضایی مواجه هستیم که برای تهییج رزمندگان آماده شده است، نوعی تک‌خوانی شخصی که هدف آنها بیشتر به افناع

حس برتری جویی در دفاع از حمیت رزمندگان است تا توجه به ارزش‌های عاشورایی و ولایی به عنوان مثال در این شعر از مردانی:

جنگ است جنگ است بیا تا صف دشمن شکنیم
صف این دشمن دیوانه میهن شکنیم
در افسانه ای قلعه شیطان بزرگ
چو علی فاتح خیبر شکن تن شکنیم
(مردانی، ۱۳۶۴: ۸۱)

گرچه در این شعر رجز به قصد تحریض و تهییج قهرمانان میدان‌های نبرد حق علیه باطل سروده شده است اما در ادبیات دفاع مقدس بیش از آنکه به رجزخوانی نیاز باشد، احیای مفاهیم اسطوره‌ای قیام امام حسین ضروری به نظر می‌رسد، تفکر حماسی، عبارت از میل و علاقه به ایثار، دلاوری، شجاعت در راه ملت و میهن، با توجه به موضوعات مربوط به جنگ مانند شهادت، مبارزه علیه تجاوز به میهن و غیره، فضای حماسی در اشعار عاشورایی بیشتر از رجز می‌توان بیانگر رشادت‌ها، دلاوری‌ها و فداکاری‌های ارزشی مبارزان باشد:

راه ما راه حسین است که در شام قرون
هیبت ظلمتیان با دم روشن شکنیم
(همان)

روح حماسی در شعر عاشورایی دفاع مقدس چندان جلوه‌گر نیست به عنوان مثال صفارزاده با لحنی کاملاً عاطفی سخن از حادثه‌ای کوبنده و سترگ می‌زند؛ ترکیب «آبی جبهه»!! در این ابیات قابل توجه است:

در سرزمین آبی جبهه
کسی که به خویش نمی‌اندیشد
کسی به مرگ و مال نمی‌اندیشد
و ارتقاع صخره و کوه
به زیر پای دلیرانی است
کز ارتقاع عقیده
از ارتقاع ایمان می‌جنگد
از مرز جان چو می‌گذرد
پروازشان از خاک

سوی نور
 از بطن آبی رگ‌ها
 به سوی آبی بالاست
 و حنجره‌های زخمی
 زیر فشار ظلم ابر باطل‌ها
 مدام می‌خوانند
 مادر محاربه هستیم
 با هر که با حسین به جنگ است
 و در صلحیم
 با هر که حسین به صلح است
 (صفارزاده، ۱۳۶۶: ۴۱-۳۵)

چنانکه از این شعر برمی‌آید مفاهیم عاشورایی در لحنی غیر حماسی ذکر شده است. ترکیباتی مانند «بطن آبی رگ‌ها»، «ابر باطل» از جمله مواردی است که از جنبه حماسی شعر به شدت کاسته است. صفارزاده با الهام از عبارت معروف زیارت عاشورا «اَنی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم» بیشتر بر بُعد عرفانی عاشورا نظر داشته است تا جنبه حماسی و تهییجی آن. مردانی نیز در توضیح بازتاب رفتاری حضرت زینب به عنوان اسوه صبر و شکوه انقلابی به منظور انتقال پیام حماسه عاشورا به مادران و همسران شهدای دفاع مقدس با زبانی عاطفی و اندوهگینی چنین سروده است:

زینب دوران
 به صبرت پشت دشمن را شکستی
 بر سر نعش برادر با برادر چون نشستی
 رشته پیوند با هر چه جز مهرش گسستی
 (مردانی، ۱۳۷۷: ۲۱۵)

که گرچه مضامین ارزشی بسیار والایی را مطرح می‌کند روحیه مخاطب با چنین اشعاری از جهت حماسی چندان ترغیب و تشویق نمی‌شوند و بیشتر فضایی آمیخته با تغزل و تصاویر متناسب با این فضا ذهن مخاطب را بیشتر درگیر خود می‌سازد تا حماسه علی معلم

نیز در فضایی تغزلی به بیان حماسی می‌پردازد:

چون بیوگان ننگ سلامت ماند بر ما
تاوان این خون تا قیامت ماند بر ما
من صحبت شب یا سحوری کی توانم
من زخم دارم من صبوری کی توانم
تسکین ظلمت شهر کوران را مبارک
ساقی! سلامت این صبوران را مبارک
(معلم دامغانی، ۱۳۸۸: ۷۸)

در این ابیات شاعر خود را از جماعت صبور و آرام و بی‌خیال جدا می‌کند، بسامد واژه‌هایی چون «شهر کوران»، «ساقی»، «صبوران» و امثال آن از میزان بُعد حماسی شعر کاسته است و آن را به عاطفه تغزلی نزدیک ساخته است. شعر «هیکل سیاه» (صفا زاده، ۱۳۹۱: ۴۵۲-۴۵۴)، یکی دیگر از اشعار صفا زاده است که به‌طور خاص به واقعه عاشورا و کربلا پرداخته است و مانند بسیاری از شعرهای دیگر او به منظور ایجاد ارتباط بین موتیو عاشورا و دفاع مقدس سروده شده است. شاعر در این شعر، موضوعات مختلف تاریخی مسائل روز جهان و جنگ را مورد توجه قرار داده است. اما آنچه که در آن مانند نمونه‌های پیشین بیشتر جلوه‌گر است غلبه بُعد غنایی و عاطفی بر لحن و واژه‌های حماسی است:

این هیکل سیاه ستم
مجموعه‌ای است
از همه اندام‌های نامردی
این هیاکل تناور ظلمانی
حضمامه می‌نشیند
از تلاطم یک مجهول
بر روی سینه معلوم
شمرانه می‌نشیند
با خباثت یک شیطان
بر روی سینه معصوم
(همان: ۴۵۲)

مفاهیمی چون صدق، توکل، ایمان از واژه‌هایی هستند که جهت تقویت معنا و لحن عاطفی -

عرفانی شعر به کار برده شده‌اند و در واقع شاعر نتوانسته است به خوبی از عهده بیان جنبه حماسی قیام عاشورا برآید و به بن‌مایه‌های تاریخی در رویکردی عرفانی بسنده کرده است و نیز در این سطور:

دستی که وصل می‌شود

به جاودانگی ایمان

به عروه‌الوثقی

دستی دراز مانده

به دامان هر امام

امام مظلوم

امام شهید

(همان: ۴۵۳)

بنابراین به نظر می‌رسد حلقه مفقوده در سیر رویکردها به واقعه عاشورا در ابیات دفاع مقدس کم‌رنگ بودن رویکرد حماسی است، غلبه نگاه عارفانه از صلابت و استواری شعر پایداری تا حدود بسیار زیادی می‌کاهد و راویان عاشورا، از توجه به این رویکرد اساسی تا حدود زیادی غافل مانده‌اند. نگاه سوگوارانه و تغزلی و مطرح کردن ابعاد مظلومیت امام و یارانشان را در این شعر از علی معلم نیز می‌توان به خوبی مشاهده نمود:

در جان عالم جوشش خون حسینی است	اینک قیام قائم مهدی خمینی است
شب‌گیر می‌بود و شبیخون بلا بود	هر روز عاشورا و هر جا کربلا بود
اینک که آیا ضامن این دین و دین است	آیا کدامین دست نصرت با حسین است
شورید از این هنگامه گیتی بار دیگر	ای شور عاشورایی ما تکرار دیگر
این پیر رهبر با اسیران در بلا بود	با ما حسین آسا به دشت کربلا بود
با شور ابراهیمیان عرض ولا کرد	گویی حسین از کعبه قصد کربلا کرد

(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۱۲۵)

نتیجه‌گیری

ادبیات دفاع مقدس، ادبیاتی منفعلانه و بی‌تأثیر نیست که صرفاً بیانگر احساسات یک هنرمند

اعم از شاعر یا نویسنده باشد، بلکه در پی آن است که در پیوند با تاریخ و اجتماع، تأثیری شگرف در احیای آزادی و آزادی از خود برجای بگذارد. بسیاری از محققان عرصه ادبیات پایداری به مضامین کم و بیش مشترکی در ادبیات پایداری به ویژه ادبیات دفاع مقدس اشاره کرده‌اند. مجموعه‌ای از این مضامین شامل القای امید به آینده و پیروزی موعود، ستایش آزادی، ترسیم چهره رنج‌کشیده مردم و دعوت به مبارزه در قالب ستهندگی و بیان جنایت‌ها و بیدادگری‌ها. جوهره حرکت عاشورا، حرکتی سیاسی بود. نگاه سیاسی، مبارزاتی و اصلاح طلبانه به آن از دیرباز در بین صاحبان اندیشه و قلم رواج داشته است. شاعران بسیاری نیز به جنبه اجتماعی - سیاسی عاشورا توجه کرده‌اند و در کنار سروده‌های پرسوز و نوحه‌های جانگداز بر مصائب سیدالشهدا و یاران آن حضرت، بُعد حماسی و انقلابی آن جایگاه ویژه‌ای دارد و عناصری چون ذلت‌ناپذیری و عزت‌نفس، ظلم‌ستیزی، افشای ستم ظالمان و جاثران، عدالت و برابری، اصلاح جامعه، پیکار با فساد و الهام‌گیری آزادگان از مکتب عاشورا، از جمله محورهای اصلی سروده‌های عاشورایی در بُعد حماسی است که باید مورد توجه قرار گیرد. نگاه سیاسی و مبارزاتی و اصلاح‌طلبانه به قیام عاشورا، از دیرباز بین اهل قلم و اندیشه کم و بیش وجود داشته است، زیرا سیدالشهدا (ع)، خروج خویش را برای مبارزه با ظلم و بدعت و جهت احیای قرآن و حق و به قصد امر به معروف و اصلاح امت انجام داد و از همین روی، روشن‌ترین پیام عاشورا، گردن نهادن به ظلم و قیام علیه فساد است که سبب تقویت ویژگی حماسی آن می‌شود. بنابراین می‌توان فرهنگ حماسی - عاشورایی امام حسین (ع) را اساس شعر حماسی معاصر در ادبیات پایداری دانست. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده بن مایه‌های نماد پردازی و حماسی در ادبیات عاشورایی دفاع مقدس در شاعران مورد نظر چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

منابع

کتاب‌ها

۱. بیرو، آلن (۱۳۷۰) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمدباقر ساروخانی، تهران: کیهان.
۲. حسن‌لی، کاووس (۱۳۸۳) گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران، تهران: ثالث.
۳. دانش، شکرالله (۱۳۸۸) عاشورا بعثتی دوباره، تهران: بنفام.
۴. دیچز، دیوید (۱۳۷۹) شیوه‌های نقد ادبی، ترجمه غلامحسین یوسفی و محمد صدقیانی، تهران: علمی.
۵. ریاحی، محمدامین (۱۳۷۵) کسای مروز، زندگی، اندیشه و شعر، چاپ هفتم، تهران: علمی.
۶. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۱) نقد ادبی، ج ۱ و ۲، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر.
۷. سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷) آسیب‌شناسی اجتماعی، چاپ چهارم، تهران: سمت.
۸. سنگری، محمدرضا (۱۳۸۹) ادبیات دفاع مقدس، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۹. صفارزاده، طاهره (۱۳۶۶) دیدار صبح، شیراز: نوید شیراز.
۱۰. (۱۳۸۶) از جلوه‌های جهانی، تهران: هنر بیداری.
۱۱. (۱۳۹۱) مجموعه کامل اشعار، تهران: پارس کتاب.
۱۲. فتوحی، محمود (۱۳۸۵) بلاغت تصویر، تهران: سخن.
۱۳. فهیمی، مهدی (۱۳۸۱) فرهنگ‌نامه جبهه، جلد ۳، تهران: نشر پایداری.
۱۴. کاظمی، محمدکاظم (۱۳۹۰) ده شاعر انقلاب، تهران: سوره مهر.
۱۵. کافی، غلامرضا (۱۳۸۸) شرح منظومه ظهر، تهران: اسلامیه.
۱۶. کسای مروز، ابوالحسن (۱۳۶۶) دیوان، تصحیح و شرح جعفر شعار، تهران: بنیاد.
۱۷. مجاهدی، محمدعلی (۱۳۷۹) شکوه شعر عاشورا، قم: مرکز تحقیقات اسلامی.
۱۸. محدثی، زهرا (۱۳۹۱) شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی قرآن، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.

۱۹. مردانی، نصرالله (۱۳۶۴) خون نامه خاک، تهران: کیهان.
۲۰. (۱۳۷۷) شهر اربعین، تهران: نشر شاهد.
۲۱. (۱۳۸۶) سمند صاعقه، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۲. (۱۳۸۸) عشق می گوید، تهران: انجمن قلم ایران.
۲۳. معلم دامغانی، علی (۱۳۸۷) رجعت سرخ ستاره، چاپ پنجم، تهران: سوره مهر.
۲۴. (۱۳۸۸) مجلس حر بن یزید ریاحی، تهران: سوره مهر.

مقالات

۲۵. امیری خراسانی، احمد و هدایتی، فاطمه (۱۳۹۳) ادبیات پایداری؛ تعاریف و حدود، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ششم، شماره دهم، صص ۴۱-۲۳.
۲۶. الهامی، فاطمه، جهاننیده، عبدالغفور و میر، علیرضا (۱۳۹۷) عبرت های عاشورایی در ادب آیینی معاصر، پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۱۶، شماره ۳۰، صص ۵۲-۳۱.
۲۷. سنگری، محمدرضا (۱۳۸۳) ادبیات پایداری، فصلنامه شعر، شماره ۳۹، صص ۵۳-۴۵.
۲۸. شریفیان، مهدی و همکاران (۱۳۹۱) تجلی حماسه و عرفان عاشورایی در ادبیات انقلاب اسلامی ایران، نشریه ادبیات پایداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال سوم، شماره ۶، صص ۲۵۷-۲۳۷.
۲۹. محمدزاده، مرضیه (۱۳۹۲) بررسی عناصر عرفانی در مرثیه سرایی ادبیات عاشورایی، نشریه بهار ادب، سال ششم، شماره ۴، صص ۲۹۵-۲۸۳.
۳۰. واحد دوست، مهین (۱۳۹۲) بازنمایی عناصر اساطیری- حماسی و همبستگی کلی در شعر دفاع مقدس، مطالعات ملی، شماره ۲، صص ۷۲-۴۹.

Criticism of some semantic components of sacred defense Ashura poetry based on poems (Ali Moalem, Nasrollah Mardani, Fatemeh Rakei, Tahereh Safa Zadeh)

Tahereh Satarian¹, Dr. Tofiqh Hashempour Sobhani²

Abstract

Sustainability literature in Iran has long played an important role in expressing and inducing resistance concepts with manifestation in various Persian poems and pros and in connection with Ashura literature and the epic spirit of its epiphany, the reporter has been fighting, sustaining and resisting all kinds of aggression and oppression. Meanwhile, the epic expresses a more detailed description of the treachery and heroism of Imam Hussein (AS) and his followers during the course of Ashura as a type of literary index. Considering the necessity of completing the theoretical debates on the Holy Defense literature, especially the poetry of persistence during the imposed war, and the importance of recognizing and the presence of the epic element in the Ashura poetry, by examining the relationship between the real epic elements of Ashura in the verse of the Holy Defense in terms of commons such as definitions, role play The same characters and hero, having the essence of the protest, must be criticized.

Sacred Defense Literature has used a significant amount of poetry, poetry, rage and mention of the sufferings of Imam Hussein and his followers even more than saga and courage; therefore, the review, critique and analysis of the epic element in the Holy Defense Literature of the Holy Qur'an have been considered in this article. This paper deals with the descriptive-analytical method based on library data and analyzes the epic element in the poetry of Ashura Ali Mokham, Fatemeh Rake'i, Tahereh Safarzadeh and Nasrollah Mardani.

Keywords: Sustainable Literature, Holy Defense, Ashura Poetry, Epic, Holy Defense Poets.

¹ . PhD Student in Persian Language and Literature, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran.

² . Professor of Persian Language and Literature, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran. (Responsible author)